

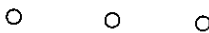
رابطه موفقیت تحصیلی، راه‌های مقابله با تنیدگی و جایگاه اجتماعی-اقتصادی در نوجوانان دختر

یاسمین عابدینی

چکیده

به منظور بررسی رابطه موفقیت تحصیلی با راه‌های مقابله با تنیدگی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی نوجوانان دختر، تعداد ۳۲۸ دانش‌آموز دختر پایه سوم راهنمایی با روش نمونه‌گیری تصادفی مرحله‌ای از مدارس راهنمایی جنوب، مرکز و شمال شهر تهران انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از آزمون مقابله با بحران (CISS) و معدل آزمودنی‌ها جمع‌آوری شد و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیری و تک متغیری مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین موفقیت تحصیلی و مقابله مسئله مدار از یکسو و رابطه مثبت بین جایگاه اجتماعی - اقتصادی و موفقیت تحصیلی از سوی دیگر بود. بین راه‌های مقابله با تنیدگی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه معناداری مشاهده نشد.

کلید واژه‌ها: موفقیت تحصیلی، مقابله با تنیدگی، جایگاه اجتماعی - اقتصادی،
نوجوانان دختر.



مقدمه

موفقیت تحصیلی از جمله مسایل مهمی است که محور بسیاری از پژوهش‌های آموزشی و

روانشناسی است (براون و کراس، ۱۹۹۷؛ موس و موس، ۱۹۹۰؛ نایمی و واینوماکی، ۱۹۹۹). عوامل بسیاری در موفقیت و پیشرفت تحصیلی کودکان و نوجوانان سهیم هستند که برخی از آنها نظیر هوش، توانایی و یادگیری‌های قبلی شناختی، هستند و برخی دیگر نظیر محیط خانوادگی، جایگاه اجتماعی - اقتصادی و راه‌های مقابله با تنیدگی، غیر شناختی‌اند (براون و کراس، ۱۹۹۷). عوامل شناختی به این دلیل مهم هستند که فراهم‌کننده پایه و اساس ذهنی و تجربی برای یادگیری در آینده هستند و رابطه بین آنها و موفقیت تحصیلی کاملاً بارز و قابل مشاهده است، اما شناسایی و تشخیص نقش عوامل غیر شناختی تا حدودی مشکل است و حتی از این هم مشکل‌تر تشخیص این موضوع است که کدامیک از عوامل غیر شناختی در موفقیت و پیشرفت تحصیلی نقش دارند. جایگاه اجتماعی - اقتصادی و راه‌های مقابله با تنیدگی دو عامل غیرشناختی مهم در موفقیت تحصیلی نوجوانان به شمار می‌روند.

موقعیت خانواده به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از جمله عوامل مهم در پیشرفت‌ها و شکست‌های تحصیلی کودکان و نوجوانان به شمار می‌رود و تأثیرگذاری آن از طریق اثر گذاری بر مهارت‌ها و انگیزش (چه در آغاز تحصیلات و چه در طول دوران تحصیل) و فراهم کردن شرایط و امکانات آموزشی، تحصیلی و شغلی بهتر برای کودکان و نوجوانان است (لوگال^۱، ۱۳۷۴). نتایج پژوهش‌ها نیز نشان دهنده وجود ارتباط بین بالا بودن سطح اجتماعی اقتصادی والدین و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان است (باخر^۲ و روشلن^۳، ۱۹۶۵؛ نقل از لوگال، ۱۳۷۴؛ موس و موس، ۱۹۹۰). هم‌چنین دیده شده است که محیط خانوادگی، رفتارهای مرتبط با تحصیل و مدرسه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (کالجر و، ۱۹۸۲). راه‌های مقابله با تنیدگی نیز عامل غیر شناختی دیگری است که با موفقیت و پیشرفت تحصیلی مرتبط است (زی و ریزن، ۱۹۹۷). دوره نوجوانی دوره‌ای است که مصادف با تغییر و انتقال در زمینه روابط بین فردی، سازگاری اجتماعی و روانشناختی نوجوانان می‌باشد (اشتینبرگ، ۱۹۹۰). استقلال نسبی از والدین و وابستگی به گروه همسالان و دوستان، رشد و تحول مفهوم خود و هویت یابی اجتماعی و جنسی، برنامه ریزی برای ورود به دانشگاه و انتخاب شغل از جمله عواملی هستند که برای نوجوانان تنیدگی‌هایی را ایجاد می‌کنند (فورنت، ویلسن و والندر، ۱۹۹۸). این عوامل تنیدگی‌زا توأم با خواست‌ها و تقاضاهای آموزشی در محیط مدرسه و انتظارات تحصیلی والدین از نوجوانان نه تنها بر عملکرد کلی و تحصیلی آنها تأثیر منفی می‌گذارد بلکه سلامت و بهداشت

روانی آنها را به مخاطره می‌اندازد و مستلزم مقابله مؤثر می‌باشد (نایمی و واینوماکی، ۱۹۹۹). انتخاب راه‌های مقابله مناسب در برابر تنیدگی‌های روانی ایجاد شده برای نوجوانان می‌تواند از تأثیر تنیدگی‌ها بر سلامت روانی آنان کاسته و به سازگاری اجتماعی و تحصیلی هر چه بیشتر آنان منجر گردد (برنت^۱، ۱۹۸۲، به نقل از لاد، ۱۹۹۰). لازاروس و فولکن (۱۹۸۴) روش‌های اصلی مقابله با تنیدگی را شامل مقابله مسئله مدار^۲ و مقابله هیجان مدار^۳ می‌دانند. مقابله مسئله‌مدار بیشتر در موقعیت‌هایی بروز می‌کند که فرد احساس می‌کند توانایی تغییر یا مهار موقعیت را دارد، در حالیکه مقابله هیجان‌مدار در موقعیت‌هایی بروز می‌کند که فرد احساس می‌کند توانایی تغییر یا مهار موقعیت را ندارد، بنابراین در برابر آن واکنش نشان داده و یا سعی در تحمل آن دارد. برای مثال دانش‌آموزان ممکن است با تنیدگی ایجاد شده توسط یک امتحان سخت، از طریق مطالعه بیشتر و یا طرح ریزی برای مطالعه مؤثرتر مقابله کنند (مقابله مسئله‌مدار) و یا اینکه تصمیم بگیرند از طریق شرکت در یک فعالیت ورزشی و یا تفریحی مشکل را فراموش کرده و به آرامش دست یابند (مقابله هیجان‌مدار). این عدم درگیری رفتاری یا روانی با موقعیت تنیدگی‌زا، یک راهبرد نادرست و غیر مؤثر است زیرا فرد تلاش خود را برای حل مشکل و مقابله با آن کاهش می‌دهد (کارور، شیر و وینتراوب، ۱۹۹۹). دیده شده است که راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر و ناکارآمد و بخصوص راهبردهای نامرتب با تکلیف (انجام هر کاری به غیر از آماده شدن برای امتحان) رابطه معناداری با اضطراب امتحان، عملکرد تحصیلی پایین، عدم رضایت و شکست تحصیلی دارد (نورمی، ۱۹۹۷). از سوی دیگر جستجوی حمایت اجتماعی^۴ از طریق دریافت حمایت شناختی و روانشناختی می‌تواند در خدمت اهداف مقابله مسئله‌مدار قرار گیرد (نایمی و واینوماکی، ۱۹۹۹). نتایج پژوهش‌ها نیز نشان دهنده اثرات بهداشتی و محافظتی حمایت اجتماعی در مقابله با تنیدگی‌ها است (هلر، سوئیندل و دازنبری، ۱۹۹۶). در این راستا نتایج پژوهش براون و کراس (۱۹۹۷) نشان دهنده این است که راه‌های مقابله با تنیدگی و محیط خانوادگی پیش‌بینی‌کننده‌های بسیار خوبی برای پیشرفت تحصیلی نوجوانان هستند، به طوری که خانواده‌هایی که دارای محیطی آزاد برای بروز احساسات اعضای خانواده هستند، سطح سواد و امکانات تفریحی بیشتری دارند و حمایت عاطفی و اجتماعی بیشتری را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند، آنها دارای فرزندان هستند که پیشرفت و موفقیت تحصیلی بالاتری دارند. هم چنین پژوهش‌ها نشان دهنده وجود رابطه مثبت بین حمایت اجتماعی با راهبرد مقابله‌ای

مسئله مدار و موفقیت تحصیلی نوجوانان از یکسو و رابطه منفی بین مقابله‌های هیجان مدار و موفقیت تحصیلی نوجوانان از سوی دیگر است (براون و کراس، ۱۹۹۷، نایمی و واینوماکی، ۱۹۹۹؛ زی و ریزن، ۱۹۹۷).

باتوجه به آنچه ذکر شد پژوهش حاضر با تأکید بر دو عامل غیرشناختی مهم در پیشرفت تحصیلی نوجوانان به بررسی رابطه بین موفقیت تحصیلی با راه‌های مقابله با تنیدگی و جایگاه اجتماعی- اقتصادی در نوجوانان دختر خواهد پرداخت.

روش

طرح پژوهش حاضر غیر آزمایشی و از نوع طرح‌های توصیفی است.

آزمودنی‌ها

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دختر پایه سوم راهنمایی مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۸۱-۸۰ در شهر تهران است. تعداد ۳۲۸ دانش آموز دختر پایه سوم راهنمایی که با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی مرحله‌ای، از مناطق جغرافیایی شمال، مرکز و جنوب شهر تهران انتخاب شده‌اند، آزمودنی‌های این پژوهش را تشکیل می‌دهند. لذا ابتدا سه منطقه از مناطق ۱۸ گانه شهر تهران انتخاب شدند (منطقه ۳ از شمال، منطقه ۱۰ از مرکز و منطقه ۱۷ از جنوب). سپس با توجه به تعداد آموزشگاه‌های راهنمایی دخترانه موجود در این مناطق، سه آموزشگاه از منطقه ۳، پنج آموزشگاه از منطقه ۱۰ و چهار آموزشگاه از منطقه ۱۷ انتخاب شدند و در مرحله آخر یک کلاس از هر آموزشگاه انتخاب و کلیه دانش آموزان آن مورد مطالعه قرار گرفتند.

ابزار اندازه گیری

در پژوهش حاضر جهت سنجش راه‌های مقابله با تنیدگی آزمون مقابله با بحران^۱ (CISS) که توسط اندلر و پادکر (۱۹۹۰) تهیه و تدوین شده است مورد استفاده قرار گرفت. هم چنین جهت سنجش موفقیت تحصیلی آزمودنی‌ها ابتدا معدل کل آزمودنی‌ها در سال تحصیلی قبل (پایه دوم راهنمایی) از پرونده تحصیلی آنان استخراج گردید و سپس هر آزمودنی در یکی از سه

سطح موفقیت تحصیلی پایین، متوسط و بالا قرار گرفت. بدین صورت که آزمودنی هایی که معدل آنها کمتر از ۱۵ بود در گروه موفقیت تحصیلی پایین، آزمودنی هایی که معدل آنها بین ۱۵ تا ۱۷/۵۰ بود در گروه موفقیت تحصیلی متوسط و آزمودنی هایی که معدل آنها بالاتر از ۱۷/۵۰ بود در گروه موفقیت تحصیلی بالا قرار گرفتند.

جدول ۱- بار عاملی ستونهای عامل های سه گانه آزمون مقابله با بحران چرخش واریماکس

شماره ستون	عامل ۱	عامل ۲	عامل ۳
۲۶	۰/۷۲۴		
۲۳	۰/۶۹۳		
۴۰	۰/۶۳۵		
۳۸	۰/۶۲۰		
۴۶	۰/۶۰۵		
۳۵	۰/۵۸۹		
۳۱	۰/۵۴۳		
۳۵	۰/۵۳۸		
۲	۰/۵۳۱		
۴۲	۰/۵۲۶		
۶	۰/۵۰۹		
۳۴	۰/۵۰۰		
۹	۰/۵۰۰		
۲۵	۰/۴۶۲		
۳۳	۰/۴۳۳		
۱	۰/۴۱۳		
۱۲		۰/۶۷۳	
۱۸		۰/۶۶۵	
۲۹		۰/۶۱۲	
۳۷		۰/۶۰۰	
۲۱		۰/۵۹۷	
۲۴		۰/۵۹۱	
۷		۰/۵۲۷	
۱۳		۰/۴۷۹	
۴۴		۰/۴۷۱	
۳۲		۰/۴۴۷	
۱۶		۰/۴۴۶	
۲۷		۰/۴۱۰	
۱۹			۰/۶۱۵
۳۰			۰/۶۰۰
۲۸			۰/۵۹۳
۲۳			۰/۵۴۸
۳۶			۰/۵۴۱
۳۹			۰/۵۱۵
۳۱			۰/۵۰۰
۸			۰/۴۸۹
۳			۰/۴۱۰

چنانچه قبلاً نیز ذکر شد برای سنجش راه‌های مقابله با تنیدگی از آزمون مقابله با بحران (CISS) استفاده شد. این آزمون دارای ۴۶ سؤال است که سه زمینه اصلی رفتارهای مقابله‌ای، مقابله مسئله مدار، مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی را در بر می‌گیرد.

لازم به توضیح است که ضریب آلفای کرونباخ برای دختران در عامل مقابله مسئله مدار برابر ۰/۹۰، برای عامل مقابله هیجان مدار برابر با ۰/۸۵ و برای عامل مقابله اجتنابی برابر با ۰/۸۲ گزارش شده است. در پژوهش حاضر برای بررسی اعتبار آزمون از روش تحلیل عاملی و برای بررسی قابلیت اعتماد آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر اساس نتایج عاملی با چرخش واریماکس^۱ ۱۳ عامل استخراج شده سپس سؤال‌هایی که بار عاملی ضعیف داشتند، دو قطبی و یا تک ماده‌ای بودند حذف شده و مجدداً تحلیل عاملی با چرخش واریماکس انجام شد. نتایج نهایی ۳ عامل را نشان داد. هر کدام از این عوامل با توجه به محتوای سؤال‌ها و پیشینه پژوهش نامگذاری شد. لازم به ذکر است که شیوه نمره‌گذاری این آزمون بر اساس مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای است. بطوری که گزینه «اصلاً» نمره صفر و گزینه «همیشه» نمره چهار می‌گیرد.

تحلیل آماری

جهت بررسی تفاوت بین راه‌های مقابله مورد استفاده آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی پایین، متوسط و بالا و به منظور بررسی تفاوت بین راه‌های مقابله مورد استفاده آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، متوسط و بالا از آزمون آماری تحلیل واریانس چند متغیری استفاده شد، هم چنین برای بررسی رابطه موفقیت تحصیلی با جایگاه اجتماعی - اقتصادی از آزمون آماری تحلیل واریانس تک متغیری استفاده گردید.

جدول ۲- نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به جایگاه اجتماعی - اقتصادی و راه‌های مقابله با تنیدگی

سطح معناداری	F	میانگین	درجه آزادی	مجموع‌معدومات	مبلغ تغییر	جایگاه اجتماعی - اقتصادی
۰/۲۲۴	۱/۴۲	۱۶۱/۶۷	۲	۳۲۳/۳۵		بالا
۰/۴۰۵	۰/۹۱	۶۲/۷۷	۲	۱۲۵/۵۳		متوسط
۰/۳۱۵	۱/۱۶	۵۲/۶۳	۲	۱۰۵/۲۶		پایین

با توجه به جدول ۲، بین راه‌های مقابله با تنیدگی آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، متوسط و بالا تفاوت معناداری نیست. به عبارت دیگر آزمودنی‌های هر سه گروه دارای الگوهای مقابله‌ای مشابهی هستند. خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (جدول ۳) نیز نشان دهنده این نکته است. چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود اثر جایگاه اجتماعی - اقتصادی در هیچ یک از آزمونهای پیلای^۱، ویلکز^۲، هتلینگ^۳ و رویز^۴، معنادار نمی‌باشد.

جدول ۳- خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به جایگاه اجتماعی-اقتصادی و راه‌های مقابله با تنیدگی

نام آزمون	شاخص‌ها	ارزش آماری آزمایشی	درجه آزادی خطا	درجه آزادی	F	سطح معناداری
پیلای		۰/۰۱۸	۶	۶۴۸	۱/۰۰۲	۰/۴۳۲
ویلکز		۰/۹۸۲	۶	۲۴۶	۱	۰/۴۲۴
هتلینگ		۰/۰۱۹	۶	۶۴۴	۰/۹۹۸	۰/۴۲۵
رویز		۰/۰۱۴	۳	۳۲۴	۱/۵۱۹	۰/۲۰۹

جهت بررسی تفاوت راه‌های مقابله مورد استفاده آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی پایین، متوسط و بالا نیز آزمون تحلیل واریانس چند متغیری مورد استفاده قرار گرفت.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به راه‌های مقابله با تنیدگی و موفقیت تحصیلی

راه‌های مقابله با تنیدگی	سطح معیار	مجموع مجذورات	درجه آزادی	مجدور میانگین	F	سطح معناداری
مسئله‌مدار		۱۱۷۲۷۴۵	۳	۳۹۰۹۱۵	۴۲۸۰	۰/۰۰۰*
هیجان‌مدار		۳۴۷۸۹۳	۳	۱۱۵۹۶۴	۹۸۴۶	۰/۰۰۰*
اجتنابی		۲۱۷۰۴۰	۳	۷۲۳۴۶	۱۷۳۴	۰/۰۰۰*

*p < ۰/۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود بین راه‌های مقابله مورد استفاده آزمودنی‌های متعلق به سطوح مختلف موفقیت تحصیلی (پایین، متوسط و بالا) تفاوت معنادار است. به بیان دیگر آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی پایین، متوسط و بالا دارای الگوهای مقابله‌ای مشابهی نیستند. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیری (جدول ۵) نیز بیانگر این موضوع است.

جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون تحلیل واریانس مربوط به موفقیت تحصیلی و راه‌های مقابله با تنیدگی

سطح معناداری	F	درجه آزادی خطا	درجه آزادی آزمایشی	ارزش آماری	شاخص‌ها	آزمون
./...*	۵۳/۴۴	۹۶۶	۹	۱		پیلای
./...*	۳۸۳/۲۶	۷۷۹	۹	-/۰.۱۶		ویلکز
./...*	۲۱۰۳/۰۳۷	۹۵۶	۹	۵۹/۴۰		هتلینگ
./...*	۶۳۷۳/۳۴	۳۲۲	۳	۵۹/۳۸		رویز

*p < ./...۱

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر موفقیت تحصیلی در هر چهار آزمون پیلایی، ویلکز، هتلینگ و رویز معنادار (p < ۰/۰۰۱) می‌باشد.

با توجه به معنا دار بودن آزمون تحلیل واریانس، آزمون مقایسهٔ پسین توکی^{۱۲} انجام گرفت. نتایج این آزمون در جدول ۶ مشاهده می‌شود.

جدول ۶- نتایج آزمون توکی مربوط به سطوح موفقیت تحصیلی و راه‌های مقابله با تنیدگی

سطح معناداری	خطای معیار	تفاوت میانگین (J-T)	معدل J	معدل A	شماره وابسته
./۰.۸۸	۱/۶۴۳	-۳/۴۷	متوسط	پایین	مسئله مدار
./۰.۷	۱/۴۷۱	-۴/۴۲	بالا		
./۰.۸۸	۱/۶۴۳	۳/۴۷	پایین	متوسط	
./۷۲۳	۱/۲۴۱	-۰/۹۶	بالا		
./۰.۷	۱/۴۷۱	۴/۴۲	پایین	بالا	هیجان مدار
./۷۲۳	۱/۲۴۱	۰/۹۶	متوسط		
./۵۶۹	۱/۳۶	۱/۳۸	متوسط	پایین	
./۹۳۹	۱/۲۲	-۰/۴۱	بالا		
./۵۶۹	۱/۳۶	-۱/۳۸	پایین	متوسط	اجتنابی
./۶۱۵	۱/۰۳	۰/۹۸	بالا		
./۹۳۹	۱/۲۲	-۰/۴۱	پایین	بالا	
./۶۱۵	۱/۰۳	-۰/۹۸	متوسط		
./۳۹۳	۱/۱۱	-۱/۴۵	متوسط	پایین	اجتنابی
./۸۹۹	۱	-۰/۴۴	بالا		
./۳۹۳	۱/۱۱	۱/۴۵	پایین	متوسط	
./۲۵۰	-/۸۴	۱/۰۱	بالا		
./۸۹۹	۱	۰/۴۴	پایین	بالا	اجتنابی
./۲۵۰	-/۸۴	-۱/۰۱	متوسط		

نتایج آزمون توکی نشان می‌دهد که آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی پایین و بالا از نظر میزان استفاده از مقابله مسئله مدار با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. به بیان دیگر آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی بالا نسبت به آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی پایین، به میزان بیشتری از مقابله مسئله مدار استفاده می‌کنند. طبق نتایج جدول ۶، آزمودنی‌های دارای سطوح مختلف موفقیت تحصیلی (پایین، متوسط و بالا) از نظر میزان استفاده از مقابله هیجان مدار و مقابله اجتنابی تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول ۷- نتایج تحلیل واریانس تک متغیری مربوط به جایگاه اجتماعی - اقتصادی و موفقیت تحصیلی

سطح معناداری	F	درجه آزادی	محدود میانگین	مجموع محدودیات	شاخصها	منابع تغییر
۰/۰۰۰	۳۶/۸	۲	۱۹۷	۳۹۲		بین گروه‌ها
		۳۲۵	۵/۳۶	۱۷۴۲		درون گروه‌ها
		۳۲۷	۲۰۲/۳۶	۲۱۳۵		کل

نتایج جدول ۶ نشان می‌دهند که آزمودنی‌های دارای جایگاه اجتماعی - اقتصادی مختلف (پایین، متوسط و بالا) از نظر میزان موفقیت تحصیلی (معدل) با یکدیگر تفاوت معناداری دارند. هم چنین نتایج آزمون توکی (جدول ۸) نشان می‌دهد که آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا از نظر موفقیت تحصیلی تفاوت معناداری با آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین و متوسط دارا هستند ($p < 0/05$).

جدول ۸- نتایج آزمون پسین توکی مربوط به موفقیت تحصیلی و جایگاه اجتماعی - اقتصادی

سطح معناداری	خطای استاندارد	تفاوت میانگین (I-J)	جایگاه اجتماعی-اقتصادی (J)	(I)
۰/۲۹۲	۰/۳۱۵	-۰/۴۷۰	متوسط	پایین
۰/۰۰۰	۰/۳۰۵	-۲/۵۵۶	بالا	پایین
۰/۲۹۲	۰/۳۱۵	۰/۴۷۰	پایین	متوسط
۰/۰۰۰	۰/۳۲۷	-۲/۰۸۶	بالا	متوسط
۰/۰۰۰	۰/۳۰۵	۲/۵۵۶	پایین	بالا
۰/۰۰۰	۰/۳۲۷	۲/۰۸۶	متوسط	بالا

به بیان دیگر موفقیت تحصیلی آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی بالا نسبت به دو گروه دیگر بیشتر است. هم چنین آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط نیز از نظر میزان موفقیت تحصیلی تفاوت معناداری با آزمودنی‌های دارای جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین، دارا هستند. به عبارت دیگر آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی متوسط نسبت به آزمودنی‌های دارای جایگاه اجتماعی - اقتصادی پایین موفقیت تحصیلی بالاتری دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

● نتایج پژوهش نشان داد که بین راه‌های مقابله مورد استفاده آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی مختلف (پایین، متوسط و بالا) تفاوت معناداری وجود ندارد. به بیان دیگر اگر چه آزمودنی‌ها، دارای شرایط اجتماعی - اقتصادی متفاوتی هستند اما دارای الگوهای مقابله‌ای مشابهی هستند. این نتایج با نتایج پژوهش زی و دیزن (۱۹۹۷) همسویی دارد. زی و دیزن (۱۹۹۷) جهت مقایسه راه‌های مقابله‌ای مورد استفاده جوانان دانشجوی متعلق به اقلیت‌های قومی (سیاه پوست) و غیر اقلیت (سفید پوست) تعداد ۶۴۶ جوان دانشجوی را مورد مطالعه قرار دادند، آن‌ها دریافتند که این دو گروه از دانشجویان با یکدیگر تفاوت معناداری از نظر راه‌های مقابله با تنیدگی ندارند. مشابهت الگوهای مقابله‌ای در نوجوانان دختر متعلق به جایگاه اجتماعی - اقتصادی مختلف احتمالاً نشان‌دهنده این است که در دوره نوجوانی از یک سو، مهارت‌های حل مسئله به دلیل رشد انتزاعی خاص این دوره در نوجوانان افزایش می‌یابد و در نتیجه آنان را قادر می‌سازد تا هنگام رویارویی با مشکلات و موقعیت‌های تنیدگی‌زا، از راهبردهای مسئله‌مداری چون تعمق، برنامه‌ریزی و تفکر برای حل مشکل استفاده نمایند و از سوی دیگر به دلیل تظاهرات شدید عاطفی، احساسی و هیجانی در این دوره، نوجوانان تمایل به بیرون‌ریزی هیجانات خود هنگام رویارویی با مشکلات داشته و از راهبردهای هیجان‌مداری چون درد دل کردن برای دوستان استفاده می‌نمایند.

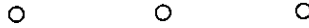
● هم چنین نتایج نشان داد که بین راه‌های مقابله مورد استفاده آزمودنی‌های دارای پیشرفت تحصیلی پایین، متوسط و بالا تفاوت معناداری وجود دارد به طوری که آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی بالا نسبت به آزمودنی‌های دارای موفقیت تحصیلی پایین، بیشتر از مقابله

مسئله مدار استفاده می‌کنند. این نتایج با نتایج پژوهش نورمی (۱۹۹۷)، براون و کراس (۱۹۹۷)؛ نایمی و واینوماکی (۱۹۹۹) همسو است. نایمی و واینوماکی نیز با مطالعه ۱۱۰ دانشجوی رشته پزشکی دریافتند که راه‌های مقابله با تنیدگی با موفقیت تحصیلی و سلامت روان این دانشجویان رابطه معناداری دارد. به طوری که دانشجویانی که از راهبردهای مقابله‌ای غیر مؤثر استفاده می‌کردند در معرض خطر بیشتری برای شکست تحصیلی قرار داشتند. براون و کراس (۱۹۹۷) نیز نشان دادند که شیوه‌های مقابله‌ای و محیط خانوادگی پیش‌بینی‌کننده‌های خوبی برای پیشرفت و موفقیت تحصیلی جوانان به شمار می‌آیند. در این راستا زی و دیزن (۱۹۹۷) نیز دریافتند که بین حمایت اجتماعی و دیگر راهبردهای مقابله‌ای مسئله مدار با موفقیت تحصیلی نوجوانان رابطه مثبتی وجود دارد. احتمالاً نوجوانان دختر از طریق دریافت حمایت اجتماعی، عاطفی و شناختی از دوستان خود، قادر به برنامه ریزی کارآمد و مؤثرتری برای حل مشکلات تحصیلی خویش می‌شوند و این امر به نوبه خود برانگیزش تحصیلی و در نتیجه بر موفقیت تحصیلی آنان تأثیر می‌گذارد. هم چنین نوجوانان دختری که هنگام رویارویی با مشکلات و تنیدگی‌ها از راهبردهای مسئله مداری چون مشورت با افراد متخصص و دارای صلاحیت استفاده می‌کنند، به دلیل دریافت حمایت اطلاعاتی و عاطفی از این افراد، نشانگان تنیدگی کمتری را (اضطراب، افسردگی) تجربه کرده و در نتیجه عملکردهای کلی و تحصیلی بهتری دارند.

● نتایج پژوهش حاضر هم چنین نشان‌دهنده تفاوت معنادار در سطوح موفقیت تحصیلی آزمودنی‌های متعلق به جایگاه اجتماعی-اقتصادی مختلف است. به طوری که نوجوانان دختر متعلق به جایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا، موفقیت تحصیلی بیشتری نسبت به نوجوانان متعلق به طبقات اجتماعی-اقتصادی پایین و متوسط دارند. این نتایج با نتایج پژوهش لوگال (۱۳۷۴)، براون و کراس (۱۹۹۷)، کالجرو (۱۹۸۲) همسو است. کالجرو (۱۹۸۲) نشان داد که بین سطح درآمد، میزان تحصیلات و نوع شغل والدین با موفقیت تحصیلی فرزندان آنها رابطه معناداری وجود دارد. در این راستا لوگال (۱۳۷۴) اعتقاد دارد موقعیت خانواده از نظر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با اثرگذاری بر مهارت‌ها و انگیزش تحصیلی کودکان، موفقیت تحصیلی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین براون و کراس (۱۹۹۷) نشان دادند خانواده‌هایی که دارای امکانات تفریحی بیشتر و فضای حمایت‌کننده‌تری هستند، دارای فرزندان با موفقیت تحصیلی بالاتر هستند. احتمالاً یکی از دلایل موفقیت تحصیلی بیشتر نوجوانان دختر متعلق به طبقات

اجتماعی بالاتر، مربوط به داشتن فرصت‌ها و امکانات آموزشی بیشتری است که خانواده‌های آن‌ها برایشان فراهم می‌کنند.

● به طور کلی نتایج پژوهش نشان دهنده نقش مؤثر عوامل اجتماعی - اقتصادی و روش‌های مقابله با تنیدگی در موفقیت تحصیلی نوجوانان دختر است.



یادداشت‌ها

۱- Legall, A.

۲- Bacher, M.

۳- Reuchlin, S.

۴- Berndt, M.

۵- Problem-focused coping

۶- Emotion-focused coping

۷- Social support seeking

۸- Coping with Crisis Test

۹- Varimax

۱۰- Pillai

۱۱- Willks

۱۲- Hotelling

۱۳- Roys

۱۴- Tukey

منابع

- لوگال، آندره (۱۳۷۴). شکست‌های تحصیلی: شناخت و جبران، ترجمه محمد رضا شعاع رضوی، انتشارات آستان

قدس رضوی، مشهد.

Brown, N. W. & Cross, Jr. E. J. (1997). Coping resources and family environment for female engineering students. *College Student Journal*, 31(2), 282-290.

Calegrove, M. B. (1982). The effect of family environment on the attrition of first semester college freshmen. *Dissertation Abstracts Internationnal*, 42, 461-48.

Carver, C. S.; Scheier, M. F. & Weintraub, J. K. (1999). Assessing coping strategies: A theoretically based approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 267-283.

Endler, N. S. & Parker, J. D. (1990). Multidimension assessment of coping. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 844-850.

Fournet, D. N.; Wilson, K. L. & Wallender, J. L. (1998). Growing or just getting along? Technical and adaptive competence in coping among adolescents. *Child Development*, 69(4), 1129-1144.

Heller, K. ; Swindle, R. & Dusenbury, L. (1996). Component social support processes: Comments and integration. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 55, 466-470

- Ladd, G. W. (1990). Having friends, keeping friends, making friends, and being liked by peers in classroom: Predictors of children early school adjustment. *Child Development*, *61*, 1081-1100.
- Lazarus, R. S. & Folkman, S. (1984). Stress, appraisal and coping. New York: Springer-Verlag.
- Moos, R. & Moos, B. (1990). *Family Environment Scale manual*. Consulting Psychologist Press. Palo Alto, California.
- Niemi, P.M. & Vainiomaki, P. T. (1999). Medical students, academic distress, coping, and achievement strategies during the preclinical years. *Teaching and Learning in Medicine*, *11*(3), 123-135.
- Nurmi, J. E. (1997). Self-definition and mental health during adolescence and young adulthood. In J. Schulenberg, J. Maggs, K. Tlurrelmann (Eds.), *Health risks and developmental transitions during adolescence* (pp. 395-215). Cambridge University Press.
- Steinberg, L. (1990). Autonomy, conflict and harmony in the family relationship. In S. Feldman & G. R. Eliot (Eds.), *At the threshold: The developing adolescent* (pp. 255-270). Cambridge, M. A: Harvard University Press.
- Zea, M. C. & Reisen, C. A. (1997). Predicting intention to remain in college among ethnic minority and non minority students. *Journal of Social Psychology*, *137*(2), 149-159.

